

بررسی وضعیت عوامل فرهنگی مؤثر بر مدیریت توسعه پایدار شهر تهران

مجتبی امیری^۱، مجید رحمانیان^۲، علی غفاری^۳

چکیده: در این تحقیق عوامل فرهنگی مؤثر بر مدیریت توسعه پایدار در شهر تهران بررسی شده است. به این منظور ابتدا مفاهیم کلیدی تحقیق از ابعاد مختلف بررسی شد که عبارت‌اند از فرهنگ، توسعه، توسعه پایدار، مدیریت توسعه پایدار و مدیریت شهری. در مرحله بعد، مطالعات تطبیقی به منظور بررسی تجارب توسعه فرهنگی در کشورها و مدل‌های موجود مدیریت توسعه پایدار در بردارنده فرهنگ، انجام شده است. سپس، بر اساس آن شاخص‌ها فرضیه‌های اصلی و فرعی تحقیق بازتعریف و پرسشنامه‌ای تهیه شد و روایی و پایایی آن به تأیید رسید. جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق از آزمون میانگین تک‌نمونه‌ای (تی تست) و جهت رتبه‌بندی مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر توسعه پایدار از آزمون ناپارامتریک فریدمن استفاده شد. در نهایت، فرضیه اصلی و هفت فرضیه فرعی به اثبات رسید و عوامل مؤثر نیز اولویت‌بندی شد. بر این اساس، مجموع مؤلفه‌های فرهنگی بر توسعه پایدار شهر تهران مؤثرند و هویت، همبستگی اجتماعی و بازده اقتصادی فرهنگ از عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی و اجتماعی‌اند ولی درگیری و اشتغال در امور فرهنگی عامل توسعه اقتصادی شهر تهران نیست.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار، شهر پایدار، فرهنگ، مدیریت شهری.

۱. دانشیار، مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، ایران

۲. دکتری مدیریت شهری، دانشگاه کیوتو، ژاپن

۳. دانشجوی کارشناسی‌ارشد MBA، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۰۶/۱۲

نویسنده مسئول مقاله: مجید رحمانیان

E-mail: ma_rahmanian@yahoo.com

مقدمه

توجه به بعد فرهنگی توسعه از کنفرانس مکزیکوسیتی آغاز شد که طی آن توصیه شد یک دهه جهانی برای توسعه فرهنگی تحت سرپرستی مشترک سازمان ملل متحد و یونسکو اعلام گردد. بر اساس اعلامیه این کنفرانس از آنجا که فرهنگ بخش بنیادی زندگی هر فرد و جامعه را تشکیل می‌دهد، توسعه پایدار که هدف نهایی‌اش متمرکز بر انسان است باید بعد فرهنگی داشته باشد. بر این اساس گرچه فرهنگ عنصری از توسعه است، اما تنها یک عامل در میان سایر عوامل نیست بلکه مبنای توسعه، نیروی محرکه و افق نهایی آن محسوب می‌شود. عوامل فرهنگی توسعه شامل تمامی عناصر روانی-اجتماعی است که همانند عوامل علمی، فنی و اقتصادی به بهبود زندگی مادی و فکری جامعه به شکل عام و جوامع شهری به شکل خاص بدون ایجاد تغییرات ناگهانی در طریقه زندگی یا حالت‌های تفکر منجر شود و در عین حال در موفقیت فنی طرح‌ها یا برنامه‌های توسعه شهری و منطقه‌ای و ملی نقش داشته باشد. در واقع، هدف از نگرش فرهنگی به توسعه برآوردن نیازهای واقعی مردم است و در اکثر موارد به ظرفیت خلاقه مردم، ارزش‌ها و استعدادهای بالقوه و اشکال مختلف نمایش فرهنگی بستگی دارد و باعث می‌شود تا از یکسو مردم نقش مؤثری در برنامه‌های توسعه‌ای ایفا کنند و از سوی دیگر، یکپارچگی توسعه و ساختارهای اجتماعی- فرهنگی را تضمین می‌کند، چرا که تغییر ایجاد شده در ساختار بخشی از فرایند طبیعی و درونی یا حداقل با در نظر داشتن مقتضیات فرهنگی مربوط است. تجربه تاریخی نیز به وضوح نشان می‌دهد توسعه فقط در جایی که از آن ریشه گرفته، در فرهنگ و سنت‌های همان منطقه رشد می‌کند، زیرا توسعه فرایندی همه‌جانبه و مرتبط با ارزش‌های هر جامعه و فراخوان مشارکت همه افراد و گروه‌هایی است که آن را بنا نهاده و از آن منتفع می‌شوند. در غیر این صورت توسعه پایدار حاصلی نخواهد شد.

سازمان ملل پیش‌بینی کرده است جمعیت شهرنشین در آفریقا، آمریکای جنوبی و آسیا از ۱/۹ میلیارد در سال ۲۰۰۰ به بیش از دو برابر یعنی ۳/۹ میلیارد در سال ۲۰۳۰ افزایش بیابد، به صورتی که بیش از ۶۰٪ جمعیت دنیا در شهرها زندگی خواهند کرد (Monnai, 2010).

کلان‌شهر تهران، پایتخت ایران و بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر آن به شمار می‌رود. تهران در چند دهه اخیر از لحاظ جمعیت و مساحت رشد چشمگیری داشته است، اما زیرساخت‌های آن متناسب با رشد جمعیت رشد نکرده‌اند. تهران همانند اغلب کلان‌شهرها در کشورهای در حال توسعه از معضلات زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فراوانی رنج می‌برد که نشان‌دهنده توسعه ناپایدار در این شهر است.

علاوه بر آن تهران از مشکل نبود مدیریت واحد شهری نیز رنج می برد. به غیر از شهرداری تهران، بیش از ۲۸ نهاد و سازمان مختلف متولی امور فرهنگی در شهر تهران اند (برنامه راهبردی فرهنگی شهر تهران، ۱۳۸۷). ارتباط فرهنگ و توسعه در هیچ یک از این سازمان ها یا نهادها به خوبی تعریف نشده است و این نهادها و سازمان ها اغلب اهداف متفاوت و متنوعی را تعقیب می کنند که ممکن است لزوماً در راستای اهداف توسعه پایدار نباشد. از این رو، اولین قدم در مدیریت توسعه پایدار با محور فرهنگ در شهر تهران، تعریف عناصر و شاخص های توسعه پایدار جهت بررسی وضعیت عوامل مؤثر فرهنگی در توسعه شهر تهران و شناخت اهمیت و اولویت هر یک از این عناصر و شاخص ها و رابطه آن ها با یکدیگر است. در این تحقیق، سعی بر آن است که با توجه به وظایف مدیریت شهری در زمینه توسعه پایدار از بعد فرهنگی شاخص هایی جهت سنجش وضعیت موجود و راهکارهایی جهت دستیابی به عملکرد مطلوب ارائه گردد.

بیان مسئله و هدف

توسعه مفهومی است که هدف غایی آن بالابردن معیارهای زندگی تمام مردم است. مفهوم توسعه مفهومی نسبتاً جدید و غربی است و به طور نزدیکی با فرآیند صنعتی سازی نوین مرتبط است زیرا از طریق تولید انبوه و ارتباطات انبوه بهبود سطح زندگی حاصل می شود. شهر محل تجمع افراد با ویژگی ها و کارکردهای خاص اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی است. رشد شهرنشینی که محصول انقلاب صنعتی و تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ناشی از آن بوده است به نحوی بوده که مطالعه ویژگی ها و تحولات یک جامعه، معادل مذاقه در تحولات جامعه شهری است. توسعه شهری پایدار بیانگر نوعی توسعه شهر است که جنبه پایداری را در خود حفظ کرده است. به عبارت دیگر، نیازهای کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده در تأمین نیازهایشان برطرف می نماید.

هر فعالیت اجتماعی بدون وجود مدیریت واحد سازمان یافته که اهداف و ابزارهای رسیدن به آن ها را مشخص کند و فعالیت ها را هماهنگ سازد به بی نظمی می گراید و شهر نیز که پیچیده ترین و متنوع ترین جلوه های زندگی بشری را در خود دارد، بدون وجود نظام مدیریت واحد شهری، که ضمن انجام برنامه ریزی های لازم برای رشد و توسعه آینده شهر، به مقابله با مسائل و مشکلات کنونی آن بپردازد- بی سامان می گردد. این مدیریت باید به گونه ای عمل کند که نتیجه آن، دستیابی به توسعه همه جانبه و پایدار شهری باشد. مسئله اصلی این تحقیق تعریف شاخص های مناسبی برای ارزیابی توسعه پایدار فرهنگی در شهر تهران و هدف از انجام تحقیق بررسی وضعیت موجود شهر تهران بر اساس شاخص های به دست آمده است.

پیشینه نظری

مفاهیمی نظیر فرهنگ و توسعه پایدار دارای بار معنایی گسترده‌ای است و رسیدن به تعریفی جامع و مانع از آن‌ها بسیار دشوار است. اگر تعاریف مختلف فرهنگ جمع‌آوری شوند، شاید در مجال یک کتاب هم نگنجد. فرهنگ در برگیرنده نظام‌های اقتصادی، ایدئولوژی‌های سیاسی، مؤسسات آموزشی، برنامه‌های اجتماعی، نظام‌های زیست‌محیطی، فعالیت‌های هنری و میراث فرهنگی، صنعت حمل‌ونقل و ارتباطات، و فعالیت‌های مذهبی و معنوی است (Culture Statistics Program, 2001). در مورد توسعه نیز به همین ترتیب مفاهیم و برداشت‌های متعددی وجود دارد و بالاخره مدیریت شهری هم موضوعی پرچالش است که دامنه وسیعی از اهداف و نقش‌ها برای آن متصور است. از این‌رو، لازم است برای تعیین چارچوب تحقیق و انجام پیمایش آماری، چارچوب و محدوده متناسبی برای تعریف هر یک از این مفاهیم ارائه گردد.

فرهنگ: فرهنگ در مفهوم عام خود، همان‌طور که اشاره شد، کلیت تامی از ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می‌کند. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات را دربرمی‌گیرد، بلکه شامل آیین‌های زندگی، نحوه زندگی و تعامل انسان‌ها، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورهاست (McKinley, 1997). این بیان انسان‌شناسانه از فرهنگ به نحوه زندگی و تعامل انسان‌ها با یکدیگر برمی‌گردد و هر دو جنبه فردی و جمعی زندگی را دربرمی‌گیرد (یونسکو، ۱۹۹۷).

توسعه: توسعه عبارت است از تغییر در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و جزآن به گونه‌ای که نه تنها رشد کمی جامعه را به همراه داشته باشد، بلکه تغییرات کیفی در شیوه‌های زندگی، رفاه اجتماعی، بالندگی فرهنگی، زیرساخت‌های اقتصادی و جزآن را فراهم آورد. توسعه فرایندی است که طی آن باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، نهادهای اقتصادی و نهادهای سیاسی به صورت بنیادی متحول می‌شوند تا متناسب با ظرفیت‌های شناخته شده سطح رفاه جامعه ارتقا یابد (بنیانیان، ۱۳۸۶).

توسعه مفهومی است که هدف غایی آن بالا بردن معیارهای زندگی تمام مردم است. مفهوم توسعه مفهومی نسبتاً جدید و غربی است و به طور نزدیکی با فرایند صنعتی‌سازی نوین مرتبط است، زیرا از طریق تولید انبوه و ارتباطات انبوه بهبود سطح زندگی حاصل شده است. شهر به عنوان محل تجمع افراد با ویژگی‌ها و کارکردهای خاص اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی است. رشد شهرنشینی که محصول انقلاب صنعتی و تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ناشی از آن بوده به نحوی است که مطالعه ویژگی‌ها و تحولات یک جامعه معادل مذاقه در تحولات جامعه

شهری است. توسعه شهری پایدار بیانگر نوعی توسعه شهری است که جنبه پایداری را در خود حفظ کرده است. به عبارت دیگر، نیازهای کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازهایشان برطرف می‌نماید.

کمیسیون جهانی محیط زیست، توسعه پایدار را این گونه تعریف کرده است: «توسعه پایدار فرایند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه فناوری و تغییری نهادی که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد» (World Commission on Environment and Development, 1987). در واقع، توسعه پایدار «مفهومی شکل‌یافته نیست، بلکه بیشتر، فرایند دگرگونی رابطه سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی و مراحل آن را بیان می‌کند.» مفهوم جدید توسعه پایدار کلی‌نگر است و همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر نیازهای بشری را دربرمی‌گیرد. به اعتباری، مهم‌ترین جاذبه در توسعه پایدار در جامع‌نگری آن است. توسعه پایدار در اساس موقعیتی ثابت نیست، بلکه عبارت است از «فرایندی مستمر از دگرگونی، انطباق و سازگاری» که طی آن بهره‌کشی از منابع جهت سرمایه‌گذاری‌ها، جهت‌گیری توسعه فناوری و دگرگونی نهادینه همگی در هماهنگی با هم دربرگیرنده نیازهای بالقوه و بالفعل انسان می‌شوند. توسعه پایدار برآورنده نیاز و آرمان‌های انسان‌ها، نه فقط در یک کشور و یک منطقه که تمامی مردم در سراسر جهان و در حال و آینده است (لیندر، ۱۹۹۳).

توسعه پایدار شهری در مدل‌های کلاسیک سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دارد (هال، ۱۹۹۳). با توجه به اهمیت روزافزون فرهنگ در توسعه پایدار، در مدل‌های جدیدتر توسعه پایدار فرهنگ نیز رکن یا ستون چهارم توسعه پایدار شناخته می‌شود (Hawkes, 2001). با توجه به اهمیت شهرها در دستیابی به توسعه پایدار و نیز تمرکز تحقیق بر شهر تهران، توسعه پایدار از منظر شهری نیز بررسی شد. توسعه پایدار شهری شکلی از توسعه امروزی است که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین می‌کند. توسعه پایدار شهری در مدل‌های کلاسیک سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دارد (Drakakis, 1996).

توسعه پایدار شهری: تمام مفاهیم بالا در متون رویکرد توسعه پایدار در نواحی شهری هستند ولی مفهوم اصلی توسعه پایدار شهری چنین تعریف شده است: «شکلی از توسعه امروزی که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین کند» (هال، ۱۹۹۳).

مدیریت شهری و مدیریت شهری پایدار. مدیریت شهری چارچوب سازمانی توسعه شهری است و به سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها و عملیاتی اطلاق می‌شود که بتواند رشد جمعیت را با دسترسی به زیرساخت‌های اساسی مانند مسکن و اشتغال مطابقت دهد. کارایی مدیریت شهری به عواملی همچون ثبات سیاسی، یکپارچگی اجتماعی، رونق اقتصادی و نیز عوامل دیگری از

قبیل مهارت و انگیزه‌های سیاستمداران و اشخاص استفاده‌کننده از این سیاست‌ها بستگی دارد. تحت این شرایط، ویژگی‌های سازمانی حکومت و مدیریت شهری، به ویژه نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی، تأثیر بسیار تعیین‌کننده‌ای در موفقیت آن ایفا می‌کند. این تعریف علی‌رغم جامع بودن، فاقد نگرش توسعه پایدارمدارانه به مقوله مدیریت شهری است. با این نگرش تعریف مدیریت شهری عبارت است از اداره امور شهر به منظور ارتقای سطح پایدار مناطق شهری، با در نظر داشتن و پیروی از اهداف، سیاست‌های ملی، اقتصادی و اجتماعی کشور؛ یا مدیریت شهری عبارت است از اداره امور شهر همچنین سازمانی گسترده، متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر و ذریب در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه‌جانبه و پایدار شهری (رضویان، ۱۳۸۱).

در دسته‌بندی کلی، برای اداره امور عمومی شهر دو حوزه نظری وجود دارد:

۱. شهرداری حکومت محلی مسئول تمام امور است.
۲. مسئولیت اداره امور عمومی شهر، بین دولت، شهرداری جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است.

در حوزه اول، مدیریت شهری با مسائل جدی روبه‌روست؛ مسائلی همچون پیچیدگی روزافزون زندگی، کاهش توان مدیریت در حل مسائل شهری و از بین بردن استقلال و ابتکار عمل شهروندان.

در حوزه دوم، برای اداره امور به صورت شراکتی باید هر کدام منابع خود را ارائه نمایند که در عمل هماهنگی آن مشکل خواهد بود.

هر دو حوزه با تحولات متنوع زیر روبه‌رویند:

۱. دیدگاه دولت رفاه
۲. جهانی شدن و گسترش بازارها و ارتباطات و تقویت ابعاد محلی و تضعیف ابعاد ملی
۳. تنوع عرصه‌های خدماتی و تفاوت‌های آن‌ها.

بدین ترتیب، در بررسی ملاحظه می‌شود حوزه‌های متنوع شهری چگونه مدیریت شهری را متحول می‌کنند (غنی‌زاده، ۱۳۸۴).

مدل‌های پایداری شهری دربردارنده فرهنگ

با توجه به تازگی ورود عامل فرهنگ به مبحث توسعه پایدار و با مروری بر منابع موجود در زمینه توسعه پایدار، تنها سه مدل عنصر فرهنگ را به صورت عاملی مهم منظور کرده‌اند:

- مدل چهاررکنی پایداری^۱ که جان هاوکز (۲۰۰۶)، محقق استرالیایی ارائه کرد.
- مدل چهارعاملی رفاه و رشد جامعه^۲ که وزارت فرهنگ و میراث فرهنگی کشور نیوزیلند ارائه کرد (Tohu, 2006).
- مدل صندلی چرخدار^۳ که مرکز تحقیقات سیاست محلی شهر ونکوور ارائه کرد (Duxbury, 2001).

مدل چهار رکنی پایداری

همان‌طور که در تعاریف فرهنگ اشاره شد، فرهنگ در بردارنده تمامی جنبه‌های تعاملات انسانی است: خانواده، آموزش، نظام‌های حقوقی، سیاسی و حمل‌ونقل، تجارب شغلی، رسانه‌های جمعی، برنامه‌های رفاهی، اوقات فراغت، دین، محیط زیست و جزآن. شاید این نگرش گسترده به فرهنگ و مفاهیم و مصداق‌های آن، فرهنگ را مبدل به موضوعی مجرد و فاقد ارزش در دنیای واقعی کند. آن‌گونه که جودی اسپوکس می‌گوید: فرهنگ هم ارزش‌های یک جامعه را دربرمی‌گیرد و هم تجسم این ارزش‌ها در زندگی روزمره افراد جامعه است. از طرف دیگر، محدود کردن فرهنگ به هنر و میراث هنری جامعه آن‌گونه که جان هاوکز می‌گوید (Hawkws, 2006) باعث می‌شود تا نظریه‌پردازان و عملگرایان از ابزاری بسیار کارآمد محروم شوند. باری این توصیف ما را وامی‌دارد که بر اساس مفروضاتی که از توسعه پایدار در بخش قبل بیان شد به تعاریفی کاربردی‌تر از فرهنگ بپردازیم. در این راستا چهار تعریف از فرهنگ را برگزیده‌ایم (Keith Nurse, 2006):

۱. حالتی توسعه‌یافته از ذهن، آن‌گونه که شخصی فرهیخته را با فرهنگ اطلاق می‌کنیم.
۲. فرایند توسعه‌یافتن ذهن، آن‌گونه که یک فعالیت یا علاقه را در افراد فرهنگی می‌نامیم.
۳. اهداف و نتایج این فرایندها، آن‌گونه که به خلق هنر و کارهای روشنفکرانه انسانی بینجامد.

۴. روشی کلی زندگی، نظامی معنایی که از طریق آن موضوعی اجتماعی در ارتباط گذاشته شده، باز تولید شده، آزموده شده و کشف می‌گردد.

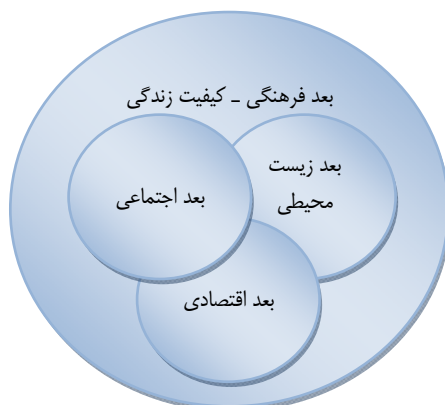
هاوکز که تحلیلگری فرهنگی است، با بهره‌گیری از تعاریف فوق در مورد فرهنگ برای اولین بار در سال ۲۰۰۱ کتابی با عنوان رکن چهارم پایداری: نقش اساسی فرهنگ در سیاستگذاری عمومی نوشت. این مدل چهار بعد به هم پیوسته توسعه را دربردارد: مسئولیت زیست‌محیطی،

1. Four –pillar model
2. Four well-being of community sustainability
3. Medicine wheel approach to sustainability

سلامت اقتصادی، برابری اجتماعی و حیات‌بخشی فرهنگی. هاوکز با پیشنهاد اندازه‌گیری‌های عملی برای یکپارچگی، نیاز به نگرشی فرهنگی در امر سیاست‌گذاری عمومی را خاطر نشان می‌کند (Hawks, 2001).

مدل چهارستونی پایداری تأیید می‌کند که پویایی و حیات جامعه و کیفیت زندگی به طور تنگاتنگی مرتبط با حیات‌بخشی و پویایی اشتغال، هویت، بیان و بزرگداشت فرهنگ آن است. این مدل همچنین بیان می‌دارد که سهم فرهنگ در ساختن شهر و جامعه‌ای زنده نقشی اساسی در تأمین سلامت اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کند؛ جایی که انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند و هر روز آن را می‌بینند.

نکته کلیدی در پایداری اجتماعی پرورش مشارکت، مبادله و احترام بین جریان‌های دولت، کسب و کار و نهادهای هنری است. فرهنگ این مشارکت‌ها را رشد می‌دهد و به سرعت نقش خود را در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در کانادا، استرالیا، زلاند نو و اروپا تقویت می‌کند.



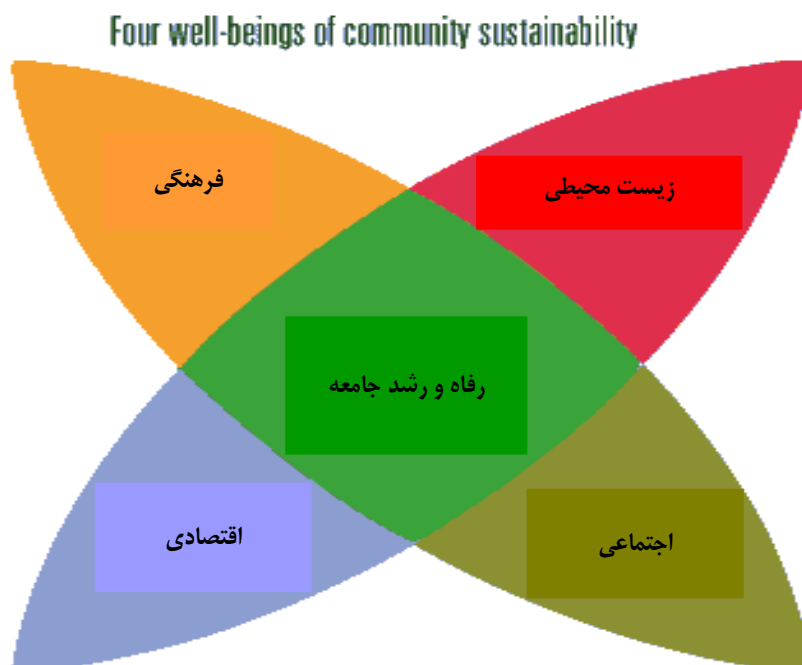
شکل ۱. مدل چهاررکنی پایداری (Runnalls, 2006)

مدل چهار عاملی رفاه و رشد جامعه

وزارت فرهنگ و میراث فرهنگی کشور زلاندنو مدلی جهت سلامت و سرزندگی جامعه تدوین کرده است که دربرگیرنده ابعاد فرهنگی، زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی است. این مدل در پاسخ به درخواست دولت محلی در سال ۲۰۰۲ ایجاد شد که بیان می‌دارد دولت محلی برای ارتقای سلامت و رشد فرهنگی، زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی جامعه در حال و آینده مسئول است (New Zealand Ministry for Culture and Heritage, 2006).

همانند سایر مدل‌ها، این مدل نیز هر چهار عامل توسعه را به هم پیوسته می‌بیند. مدل وزارت فرهنگ زلاندنو ارتباط بین اجزا را همانند شکل ۲ به تصویر کشیده است. نکات اصلی این شکل عبارت‌اند از:

- رفاه و رشد جامعه در وسط قرار گرفته است.
- رفاه و رشد هنگامی بهبود می‌یابد که هر چهار عامل رفاه به شکل مؤثری حول مرکز حرکت کنند.
- هر چهار عامل وزن مساوی دارند.



شکل ۲. مدل چهارعاملی رفاه و رشد جامعه

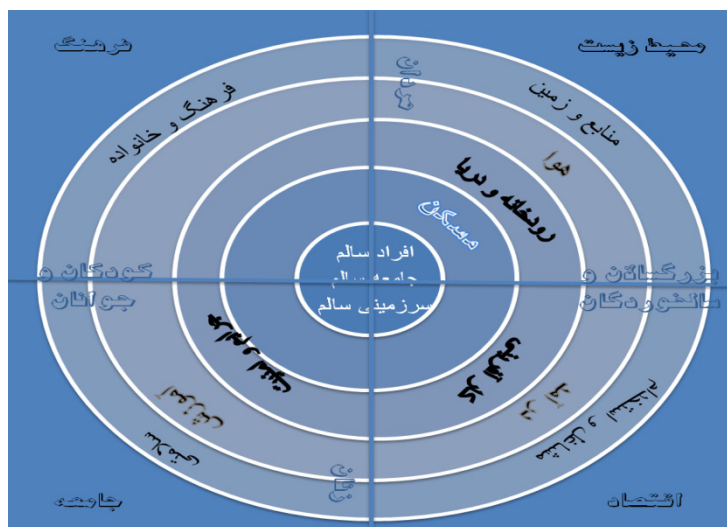
منبع: New Zealand Ministry for Culture and Heritage

تعریف ارائه شده از رفاه و رشد عبارت است از حیات‌بخشی که افراد و اجتماعات از طرق زیر از آن لذت می‌برند:

- مشارکت در فعالیتهای بازآفرینی، خلاقانه و فرهنگی
- آزادی برای حفظ، تفسیر و بیان هنرها، تاریخ، میراث فرهنگی و سنت‌ها.

مدل صندلی چرخدار

ناتان کاردینال و امیلی آدین در گزارش زندگی شهری بومی‌ها از مدل مشابه چرخ صندلی چرخدار به عنوان چارچوبی مرجع برای تعیین رده‌ها و شاخص‌های مختلف به منظور کشف و مستندسازی وضعیت بومیان اطراف ونکوور استفاده کردند. چرخ مورد نظر چهار جهت را نمایش می‌دهد: شمال - زیست محیطی، جنوب - اجتماعی، غرب - اقتصادی، و شرق - فرهنگی. شرق نمایانگر فرهنگ و خانواده است زیرا در فرهنگ بومیان آغاز همه چیز از شرق یعنی محل طلوع خورشید است. چهار بخش کلیدی در جوامع بومیان - زن، مرد، فرزندان و جوانان و بزرگسالان و سالخورده‌گان - در این مدل چهار عنصر اصلی را قطع می‌کنند. هر یک از این چهار بخش برای مفهوم دادن به سلامت و رفاه عمومی جامعه بومیان حیاتی تلقی می‌شود. کاردینال و آدین سپس تشریح می‌کنند که برنامه‌ریزی و توسعه منعطف و جامع‌نگری چرخ مذکور را فراگرفته و توسعه و بقای مدل را هدایت می‌کند.



شکل ۳. مدل صندلی چرخدار

منبع: Cardinal & Adin's

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر با توجه به هدف از نوع کاربردی است و با توجه به نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایشی است که در آن با شناخت عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه پایدار، وضعیت این

عوامل در شهر تهران مشخص شده است. در این راه از دیدگاه سایر کشورها و مراجع علمی و بین‌المللی جهت تعیین شاخص‌ها کمک گرفته شده (مطالعه تطبیقی) و پس از تعیین وضعیت، اقدام و راهکارهای لازم جهت نیل به این شاخص‌ها ارائه شده است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - پیمایشی است. گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه صورت گرفت.

جامعه آماری: در هر پژوهش جامعه مورد بررسی مجموعه‌ای است که محقق مایل است دربارهٔ صفت‌های متغیر واحدهای آن به مطالعه بپردازد. با توجه به این تعریف جامعه مورد بررسی در این تحقیق شامل شهروندان تهرانی با سابقه سکونت بیش از دو سال در شهر تهران است. به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز دربارهٔ افراد جامعه می‌توان از یکی از روش‌های زیر استفاده کرد:

۱. گردآوری داده‌ها از طریق شمارش کامل افراد جامعه (سرشماری)؛

۲. گردآوری داده‌ها از طریق نمونه‌گیری.

از آنجا که در این تحقیق، به دلیل گستردگی جامعه، امکان گردآوری از طریق سرشماری وجود نداشت، لذا داده‌ها از طریق نمونه‌گیری احتمالی تصادفی ساده جمع‌آوری شد.

تعیین حجم نمونه: دلیل نمونه‌گیری این بود که جمع‌آوری اطلاعات برای کل جامعه آماری بسیار پرهزینه و زمانبر است. از طرف دیگر، باید نمونه به اندازه کافی بزرگ باشد تا تخمین‌های خوبی از پارامترهای جامعه به دست آوریم. فرمول قابل استفاده برای اندازه‌گیری حجم نمونه در این تحقیق به شرح زیر است.

$$z \frac{\sigma}{\sqrt{n}} \times \frac{\partial}{\varepsilon} \cong 171$$

در اینجا سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت اندازه‌گیری ۰/۱ و انحراف معیار به طور تقریبی با استفاده از روش زیر ۰/۶۶۷ و تعداد افراد جامعه نیز زیاد (نامحدود) در نظر گرفته شده است.

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق: در این مطالعه حدود ۵۷/۶ درصد (۹۸ نفر) از افراد دارای مدرک کارشناسی، ۲۰/۶ درصد (۳۵ نفر) در مقطع دیپلم یا پایین‌تر، ۱۱/۸ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و مابقی (۱۲ نفر) در مقطع دکتری بودند. از لحاظ جنسیت، ۵۸/۲ درصد افراد نمونه آماری (۹۹ نفر) مرد و ۴۱/۸ درصد (۷۱ نفر) زن بودند. حدود ۷۸ درصد (۱۳۳ نفر) از افراد نمونه آماری این تحقیق مجرد و ۲۲ درصد (۳۷ نفر) متأهل بودند. و بالاخره اینکه حدود ۷۷ درصد (۱۳۱ نفر) از افراد نمونه آماری این تحقیق در شهر تهران و ۲۲/۹ درصد (۳۹ نفر) در سایر شهرها متولد شده‌اند.

با توجه به ماهیت توصیفی بودن تحقیق، به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز و آزمون سؤال‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. قسمت اول پرسشنامه شمال سؤال‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان است. دیگر پرسش‌ها برای اندازه‌گیری مؤلفه‌ها و بر اساس مفروضات پروژه در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. ارتباط بین متغیرهای وابسته و مستقل و شماره سؤال‌ها در پرسشنامه

ردیف	مؤلفه توسعه پایدار	مؤلفه فرهنگ	سؤال‌ها
۱	توسعه اقتصادی	هویت	۱۲-۱۳-۲۳
۲		درگیری و اشتغال فرهنگی	۲-۴-۵-۶-۸
۳		همبستگی اجتماعی	۱۸-۱۹
۴		بازده اقتصادی فرهنگ	۳-۱۵-۱۶
۵	توسعه اجتماعی	هویت	۹-۷-۱۰-۱۱-۱۴
۶		درگیری و اشتغال فرهنگی	۱-۶
۷		همبستگی اجتماعی	۱۷-۲۰-۲۱
۸		بازده اقتصادی فرهنگ	۱۶-۲۲

فرضیه اصلی تحقیق: مجموعه مؤلفه‌های فرهنگی بر توسعه پایدار شهر تهران مؤثرند.

فرضیه‌های فرعی تحقیق عبارت‌اند از:

۱. هویت یکی از عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی تهران است.
۲. هویت یکی از عوامل مؤثر بر توسعه اجتماعی تهران است.
۳. درگیری و اشتغال در امور فرهنگی یکی از عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی تهران است.
۴. درگیری و اشتغال در امور فرهنگی یکی از عوامل مؤثر بر توسعه اجتماعی تهران است.
۵. همبستگی اجتماعی ناشی از فرهنگ یکی از عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی تهران است.
۶. همبستگی اجتماعی ناشی از فرهنگ یکی از عوامل مؤثر بر توسعه اجتماعی شهر تهران است.
۷. بازده اقتصادی فرهنگ یکی از عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی تهران است.
۸. بازده اقتصادی فرهنگ یکی از عوامل مؤثر بر توسعه اجتماعی تهران است.

در این تحقیق از آزمون t و آزمون ناپارامتریک فریدمن در طول فرایند تحقیق استفاده شده است.

پایایی یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است. مفهوم یادشده با این امر مرتبط است که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد. ضریب قابلیت اعتماد از صفر (عدم ارتباط) تا ۱ (ارتباط کامل) است. ضریب قابلیت اعتماد نشانگر آن است که تا چه حد اندازه ابزار اندازه‌گیری ویژگی‌های باثبات آزمودنی و ویژگی‌های متغیر و موقتی آن را می‌سنجد. برای محاسبه قابلیت اعتماد از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. این روش برای محاسبه همابندی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه به کار می‌رود.

در استفاده از روش آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی پرسشنامه محدوده مقادیر قابل قبول آلفا بین ۰/۷ تا ۱ عالی، بین ۰/۴ تا ۰/۷ خوب و کمتر از ۰/۴ ضعیف محسوب می‌شود (بازرگان، ۱۳۸۴). در این مطالعه، برای به دست آوردن میزان پایایی پرسشنامه از نرم‌افزار آماری spss استفاده شد و بر اساس ۲۳ سؤال موجود در پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۸ به دست آمد که در محدوده خوب است. بنابراین، مشخص می‌گردد که پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش پایایی قابل قبولی دارد.

در این تحقیق برای سنجش روایی پرسشنامه بدین صورت عمل شده که تک‌تک سؤال‌های آزمون با مطالعه و بررسی منابع مطالعاتی مختلف تهیه شد. سپس، با استفاده از نظرات اساتید راهنما و مشاور و گرفتن نظرات تعدادی از اساتید دانشکده مدیریت، روایی سؤال‌ها سنجش شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش به بررسی فرضیه‌های تحقیق می‌پردازیم و با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب، داده‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

فرضیه اصلی: عوامل فرهنگی بر توسعه پایدار شهر تهران مؤثرند.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، عدد مربوط به سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۰ است و این عدد از مقدار خطای قابل پذیرش برای آزمون (۵٪) کمتر است؛ لذا فرضیه H_0 با احتمال ۹۵ درصد رد و فرض مخالف آن در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود. لذا، مشخص می‌گردد که میانگین پاسخ‌ها به سؤال‌های مربوط به تأثیر عوامل فرهنگی بر توسعه پایدار شهر تهران با عدد ۲/۵ برابر نیست که بیانگر حد متوسط است. از آنجا که طبق اطلاعات جدول ۳ این میانگین ۲/۸۸ است و این مقدار از سطح متوسط بالاتر است، لذا مشخص می‌گردد که عوامل فرهنگی بر توسعه پایدار شهر تهران مؤثرند.

جدول ۲. آزمون میانگین برای بررسی فرضیه اصلی تحقیق

آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	سطوح بحرانی	
				سطح پایین	سطح بالا
۱۱/۷۳۵	۱۶۹	۰/۰۰۰	۰/۳۸۴۹۱	۰/۳۲۰۲	۰/۴۴۹۷

جدول ۳. آمار توصیفی متغیر مربوط به فرضیه اصلی تحقیق

خطای ابزار	انحراف معیار	میانگین	تعداد پاسخ‌دهندگان	
۰/۳۲۸۰	۰/۴۲۷۶۶	۲/۸۸۴۹	۱۷۰	عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه پایدار شهر تهران

در این بخش به بررسی فرضیه‌های فرعی پرداخته می‌شود.

جدول ۴. نتایج فرضیه‌های فرعی

نتیجه	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	سطوح بحرانی		شماره فرضیه
					سطح پایین	سطح بالا	
تأیید	۶/۲۹۷	۱۶۹	۰/۰۰۰	۰/۳۹۳۱۴	۰/۲۶۹۹	۰/۵۱۶۴	۱
تأیید	۲/۷۷	۱۶۹	۰/۰۰۶	۰/۱۵۶	۰/۰۴۷	۰/۲۸۳	۲
تأیید	۱۳/۴۸	۱۶۹	۰/۰۰۰	۰/۶۳۵	۰/۵۴۲	۰/۷۲۸	۳
رد	۰/۴۸۱	۱۶۹	۰/۶۳۱	۰/۰۳۵	-۰/۱۰۲	۰/۱۸۳	۴
تأیید	۴/۴۹	۱۶۹	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	۰/۱۷۶	۰/۴۳۵	۵
تأیید	۶/۰۱	۱۶۹	۰/۰۰۰	۰/۳۷۴	۰/۲۵۱	۰/۴۹۷	۶
تأیید	۴/۹۲	۱۶۹	۰/۰۰۰	۰/۲۶۰	۰/۱۵۶	۰/۳۶۵	۷
تأیید	۱۱/۶۵۶	۱۶۹	۰/۰۰۰	۰/۹	۰/۷۴۷۶	۱/۰۵۲۴	۸

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، عدد مربوط به سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۰ است. این عدد از مقدار خطای قابل پذیرش برای آزمون (۰/۰۵) کمتر است، لذا فرض صفر در تمامی فرضیه‌ها به جز فرض چهارم با احتمال ۹۵ درصد رد و فرض مخالف آن در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود.

اولویت‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه پایدار

در این بخش با استفاده از آزمون ناپارامتریک فریدمن، مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه اقتصادی و اجتماعی به تفکیک، همین‌طور مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه پایدار، به‌طور کلی، رتبه‌بندی شده‌اند.

مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر توسعه اقتصادی

از آنجا که سطح معناداری مورد مشاهده ۰/۰۰۰ است (جدول ۵) و این عدد از سطح خطای قابل‌پذیرش (۰/۰۵) کمتر است، لذا با احتمال ۹۵ درصد فرض صفر رد و فرض مخالف آن پذیرفته می‌شود و مشخص می‌شود رتبه هر یک از مؤلفه‌ها با یکدیگر متفاوت است.

جدول ۵. بررسی معناداری آزمون فریدمن

۹۳/۲۳	آماره آزمون
۳	درجه آزادی
۱۷۰	تعداد
۰/۰۰۰	سطح معناداری

مطابق اطلاعات جدول ۶، مؤلفه‌های درگیری و اشتغال در امور فرهنگی، هویت و همبستگی اجتماعی به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را دارايند و همان‌طور که مشخص است مؤلفه درگیری و اشتغال در امور فرهنگی بیشترین تأثیر را در توسعه اقتصادی شهر تهران دارد.

جدول ۶. رتبه هر یک از مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر توسعه اقتصادی شهر تهران

رتبه	شاخص
۲/۵۳	هویت
۲/۳۲	همبستگی اجتماعی
۲/۸۷	درگیری و اشتغال در امور فرهنگی
۲/۲۷	بازده اقتصادی

مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر توسعه اجتماعی

از آنجا که سطح معناداری مورد مشاهده ۰/۰۰۰ است و این عدد از سطح خطای قابل پذیرش (۰/۰۵) کمتر است، لذا با احتمال ۹۵ درصد فرض H_0 رد و فرض مخالف آن پذیرفته می‌شود و مشخص می‌شود رتبه هر یک از مؤلفه‌ها با یکدیگر متفاوت است.

جدول ۷. بررسی معناداری آزمون فریدمن

۶۵/۵۱	آماره آزمون
۳	درجه آزادی
۱۷۰	تعداد
۰/۰۰۰	سطح معناداری

مطابق اطلاعات جدول ۸، مؤلفه‌های بازده اقتصادی، همبستگی اجتماعی و هویت به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را دارايند و همان‌طور که مشخص است مؤلفه بازده اقتصادی بیشترین تأثیر را در توسعه اجتماعی شهر تهران دارد.

جدول ۸. رتبه هر یک از مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر توسعه اجتماعی شهر تهران

رتبه	شاخص
۲/۲۷	هویت
۲/۴۹	همبستگی اجتماعی
۲/۱۱	درگیری و اشتغال در امور فرهنگی
۳/۱۳	بازده اقتصادی

مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر توسعه پایدار

همان‌طور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود، آماره آزمون ۱۲۰/۱۳۴ و درجه آزادی آزمون ۷ است و از آنجا که سطح معناداری مورد مشاهده ۰/۰۰۰ است و این عدد از سطح خطای قابل پذیرش (۰/۰۵) کمتر است، لذا با احتمال ۹۵ درصد فرض صفر رد و فرض مخالف آن پذیرفته می‌شود و مشخص می‌شود رتبه هر یک از مؤلفه‌ها با یکدیگر متفاوت است.

جدول ۹. بررسی معناداری آزمون فریدمن

۱۲۰/۱۳۴	آماره آزمون
۷	درجه آزادی
۱۷۰	تعداد
۰/۰۰۰	سطح معناداری

مطابق اطلاعات جدول ۱۰، شاخص‌های تأثیر بازده اقتصادی بر توسعه اجتماعی، تأثیر درگیری و اشتغال در امور فرهنگی بر توسعه اقتصادی، تأثیر هویت بر توسعه اقتصادی و تأثیر همبستگی اجتماعی بر توسعه اجتماعی به ترتیب رتبه‌های اول تا چهارم را دارايند و همان‌طور که مشخص است شاخص تأثیر بازده اقتصادی بر توسعه اجتماعی بالاترین رتبه را دارد.

جدول ۱۰. رتبه هر یک از مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر توسعه پایدار شهر تهران

رتبه	شاخص
۴/۵۸	تأثیر هویت بر توسعه اقتصادی
۴/۲۲	تأثیر همبستگی اجتماعی بر توسعه اقتصادی
۵/۳۶	تأثیر درگیری و اشتغال در امور فرهنگی بر توسعه اقتصادی
۴/۰۷	تأثیر بازده اقتصادی بر توسعه اقتصادی
۳/۹۱	تأثیر هویت بر توسعه اجتماعی
۴/۵۷	تأثیر همبستگی اجتماعی بر توسعه اجتماعی
۳/۴۹	تأثیر درگیری و اشتغال در امور فرهنگی بر توسعه اجتماعی
۵/۸۰	تأثیر بازده اقتصادی فرهنگ بر توسعه اجتماعی

خلاصه نتایج حاصل از الویت‌بندی شاخص‌ها به شرح زیر است:

- مؤلفه درگیری و اشتغال در امور فرهنگی بیشترین تأثیر را در توسعه اقتصادی شهر تهران دارد.
- مؤلفه بازده اقتصادی فرهنگ بیشترین تأثیر را در توسعه اجتماعی شهر تهران دارد.
- شاخص تأثیر بازده اقتصادی بر توسعه اجتماعی بیشترین تأثیر را در توسعه پایدار شهر تهران دارد.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق به منظور توسعه ابزار مدیریتی وضعیت روشی جهت بررسی پایدار فرهنگی با توجه به شرایط شهر تهران ارائه شد. ارتباط بین ابعاد مختلف توسعه پایدار و فرهنگ با آزمون فرضیه‌های مرتبط به اثبات رسید. با توجه به نقش بالامنابع شهرداری‌ها در مدیریت شهری و با اثبات نقش و اثرگذاری فرهنگ بر توسعه پایدار که از نتایج این پژوهش است، راهبرد شهرداری تهران در جهت تقویت و بهبود شاخص‌های فرهنگی در شهر تهران، امری مهم و حیاتی قلمداد می‌شود. همان‌طور که بیان شد توسعه پایدار فرهنگی ابزاری مدیریتی است و شاید بتوان در تحقیقات آتی نقش مفاهیم سازمانی همچون تعهد، عدالت، توانمندسازی منابع انسانی، شهروندی و رفتار

شهروندی، زمینه اجتماعی و نقش مفاهیم فردی همچون سرمایه اجتماعی و جزآن را در ایجاد توسعه پایدار فرهنگی فرد بررسی کرد (خنifer و دیگران، ۱۳۸۸؛ موغلی و همکاران، ۱۳۸۸؛ سیدجوادین و همکاران، ۱۳۸۸؛ حسینی و همکاران، ۱۳۸۹؛ عسگری و همکاران، ۱۳۸۸؛ زارعی متین و همکاران، ۱۳۸۹؛ عباسپور و همکاران، ۱۳۸۹؛ احمدی و فیض آبادی، ۱۳۹۰). در این صورت می توان توقع داشت که فرهنگ اهرمی شود که باعث شود شهروندان به مدیریت شهری اعتماد کنند (طالقانی و همکاران، ۱۳۸۹)، با آن بتوان توریست جذب کرد (عاملی و خلقتی، ۱۳۹۱)، و در نهایت باعث ایجاد بهره‌وری شد (طالقانی و همکاران، ۱۳۹۰).

نتایج این تحقیق تأیید می کند که شهر پایدار فقط شهری تمیز و به دور از آلودگی نیست، بلکه شهری است که در آن در سایه پرداختن به مؤلفه‌هایی فرهنگی نظیر هویت، همبستگی اجتماعی و اشتغال در امور فرهنگی به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدارتری رسید. اهمیتی که برای مثال بازده اقتصادی یا درگیری و اشتغال در امور فرهنگی در توسعه اجتماعی و اقتصادی شهر تهران دارد مؤید این موضوع است که اولاً این سه عامل توسعه پایدار از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند. ثانیاً باید به نحو مقتضی به بازده اقتصادی امور فرهنگی توجه نشان داد. در واقع، سیاستگذاری‌های شهری باید به سمت و سویی باشد که شخص شاغل در امور فرهنگی و هنری بتواند درآمدی عادلانه کسب کند، سرپناه مناسبی تهیه کند، احساس راحتی کند و تلاش و وقت خود را وقف خلق آثار هنری و حفاظت از هویت و تصویر شهری نماید که الهام‌بخش او و مایه آثارش است. ساخت اقتصاد و جامعه شهری پایدار و شهری قابل زندگی باید با تلاش‌هایی با هدف حفظ هویت گروه‌های اجتماعی موجود و ارائه اشکال نوین اداره شهر و کنترل آن همگام شود تا همبستگی و انسجام اجتماعی محفوظ بماند. در واقع، این امر مستلزم آن است که رویکرد متولیان به فرهنگ از کالایی زینتی و مناسب ایام و مناسبت‌های خاص یا ابزاری تبلیغی تغییر پیدا باید و این باور بروز و ظهور کند که فرهنگ باید به متن جامعه وارد شود، با مردم پیوند بخورد و به نیاز واقعی آنها تبدیل شود. تنها آن زمان است که می‌توان امیدوار بود فرهنگ بازده مناسب اقتصادی به ارمغان بیاورد و تنها در این صورت می‌توان امیدوار بود که شهر تهران توسعه‌ای پایدار و متعادلی را در تمامی ابعاد تجربه کند.

منابع

احمدی، س.ع.ا. و فیض آبادی، ح. (۱۳۹۰). بررسی ارتقای سرمایه اجتماعی بر بهبود عملکرد سازمان (نمونه موردی: سازمان های ستادی شهرداری تهران). مدیریت دولتی، ۳ (۶): ۵۴-۳۵.

بنیانیان، ح. (۱۳۸۶). *خط‌مشی‌گذاری عمومی برای تقویت و تثبیت فرهنگ توسعه در ایران*. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.

حسینی، ف.؛ رایج، ح.؛ استیری، م.؛ شریفی، س.م. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط میان فرهنگ سازمانی و سبک‌های رهبری تحول‌آفرین و مبادله رهبر - پیرو. *مدیریت دولتی*، ۲ (۴): ۷۲-۵۵.

خنیفر، ح.؛ مقیمی، س.م.؛ جندقی، غ.؛ زروندی، ن. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های اعتماد و تعهد سازمانی کارکنان (در سازمان‌های جهادکشاورزی و آموزش و پرورش استان قم). *مدیریت دولتی*، ۱ (۲): ۱۸-۳.

رضویان، م.ت. (۱۳۸۱). *تمرکززدایی در کشورهای در حال توسعه و ایران*. چاپ اول. تهران: انتشارات سروین.

زارعی متین، ح.؛ الوانی، س.م.؛ جندقی، غ.؛ احمدی، ف. (۱۳۸۹). ارائه مدل جامع عوامل مؤثر بر توسعه رفتار شهروندی سازمانی (مطالعه موردی: کارکنان شرکت ملی نفت ایران). *مدیریت دولتی*، ۲ (۵): ۵۶-۳۹.

سرمذ، ز.؛ بازرگان، ع. و حجازی، ا. (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات آگاه.

سیدجوادین، س.ر.؛ حیدری، ح.؛ شهباز مرادی، س. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی نیروی انسانی در خدمات بررسی موردی در نظام بانکی. *مدیریت دولتی*، ۱ (۲): ۸۸-۷۵.

طالقانی، غ.؛ تنعمی، م.م.؛ فرهنگی، ع.ا. و زرین‌نگار، م.ج. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر افزایش بهره‌وری (مطالعه موردی: بانک سامان). *مدیریت دولتی*، ۳ (۷): ۱۳۰-۱۱۵.

طالقانی، غ.؛ فرهنگی، ع.ا.؛ عابدی جعفری، ع. (۱۳۸۹). طراحی مدل عوامل مؤثر بر اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری. *مدیریت دولتی*، ۲ (۴): ۱۰۶-۸۹.

عاملی، س.ر.، خلقتی، م. (۱۳۹۱). مدیریت دو فضایی گردشگری با تأکید بر شهر مجازی توریستی تاریخی تهران - جاذبه‌های مادی و معنوی. *مدیریت دولتی*، ۴ (۹): ۸۲-۶۳.

عباسپور، ع.؛ سجادی نسب، ا.ن.؛ کریمی، ت.؛ یزدانی، ح.ر. (۱۳۸۹). مدیریت تصویرسازی در جهت منافع سازمان یا خود فرد: تأثیر تاکتیک‌های مدیریت تصویرسازی رو به بالا بر رفتار شهروندی سازمانی. *مدیریت دولتی*، ۲ (۵): ۱۲۴-۱۰۷.

عسگری، غ.؛ باقی، ف.؛ نوربخش، ع. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر زمینه اجتماعی سازمان بر ارزیابی عملکرد کارکنان. *مدیریت دولتی*، ۱ (۳): ۱۱۸-۱۰۵.

غنی‌زاده، م. (۱۳۸۴). *جستاری در توسعه پایدار شهری از دیدگاه امنیت ملی با نگرش اقتصادی*. ماهنامه مدیریت شهری، شماره ۱۳.

- موغلی، ع.؛ حسن پور، ا.؛ حسن پور، م. (۱۳۸۸). بررسی ارتباط بین توانمندسازی و تعهد سازمانی کارکنان در مناطق نوزده گانه سازمان آموزش و پرورش شهر تهران. مدیریت دولتی، ۱ (۲): ۱۳۲ - ۱۱۹.
- Aotearoa, T.A.M. (2006). *Cultural Indicators for New Zealand 2006*. Ministry for Culture and Heritage Wellington, New Zealand.
- Culture Statistics Program, 2001, *Canadian framework for cultural statistics*, culture, tourism and center for Education Statistics,
- Drakakis-Smith, D. (1996). *Economic Growth and Urbanization in Developing Areas*, Rutledge.
- Duxbury, N. (2001). *Exploring the role of arts and culture in urban sustainable development: journey in progress*. Working Paper prepared for Strategic Research and Analysis Directorate, Department of Canadian Heritage, Hull, Québec.
- Hall, E.T. (1960). The silent language of overseas business, *Harvard Business review*, 38(3): 87-95.
- Hawkes, J. (2001). *The Fourth Pillar of Sustainability: Culture's essential role in public planning*, Cultural Development Network (Vic).
- Hawkes, J. (2006). *Creative Democracy. Keynote address at Interacció '06: Community Cultural Policies*, Barcelona Provincial Council, Barcelona.
- McKinley, T. (1997). *Cultural Indicators of Development*, UNESCO, UNRISD, Paris.
- Monnai, T. (2010). *Human Security Engineering: Urban Governance*, Kyoto University GCOE center, April 2010.
- Nurse, K. (2005). *Culture as the Fourth Pillar of Sustainable Development*. Institute of International Relations, University of the West Indies.
- Runnalls, C.R. (2006). *Choreographing Community Sustainability: The Importance of Cultural Planning to Community Viability*. Thesis, Masters of Arts in Leadership and Training, Royal Rhodes University, Victoria, BC.
- UNESCO, UNRISD, (1997). *Towards a World Report on culture and development: Constructing cultural statistics and indicators, Report of the Workshop on Cultural Indicators of Development*, Royaumont Foundation, France, 4-7 Jan 1996, UNESCO, Paris.